

نظام مالیاتی در دوره صفویان

محمدعارف نجفی^۱

چکیده

در بسیاری از کشورهای جهان مالیات مهمترین منبع درآمد دولت‌ها محسوب می‌شود. مالیات نه تنها به عنوان یک منبع مهم مالی؛ بلکه یکی از ابزار سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها محسوب می‌شوند. از نظر تحلیل‌های اقتصاد خرد، مالیات‌ها دو اثر عمده تخصیص و توزیع را در جامعه دارند. همیشه در طول تاریخ مالیات نقش مهم در تأمین منابع درآمد حکومت‌ها داشته‌اند. در عصر صفوی نیز مالیات، یکی از منابع مهم درآمد محسوب می‌شد که گرفتن آن به صورت نقدی و غیر نقدی از مناطق و مردم مختلف دریافت می‌نمود. ضعف و قدرت شاهان صفوی در میزان مالیاتی که به خزانه حکومت می‌رسید موثر بود. برخی شاهان صفوی مانند شاه عباس اول توجه ویژه‌ای به مالیات داشت و در جهت افزایش میزان آن کوشش کرد و اصلاحاتی در این راستا انجام داد. میزان دریافت مالیات در زمان شاهان صفوی متفاوت بود و در برخی موارد شاهد افزایش یا کاهش میزان مالیات هستیم. با توجه به تحقیقات انجام شده نظام مالیاتی در دوره صفویان بهینه نبوده است و اهداف مالیاتی را دنبال نمی‌کرده است این مقاله به بررسی نظام مالیاتی در دوران عصر صفوی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: مالیات، مالیات کشاورزی، حکومت صفویان، اقتصاد شاه اسماعیل.

^۱. دانش پژوه دکتری علوم اقتصادی، جامعه المصطفی (ص) العالمیه. najafi4u@gmail.com

مقدمه

دولت‌ها برای پیشبرد اهداف و سیاست‌های خود و هم‌چنین اداره جامعه نیاز به منابع مالی مختلفی دارند. به طور کلی سیاست هر حکومت نقش اساسی در تعیین سیاست‌های مالی آن حکومت دارد. در چارچوب بحث اقتصادی، دولت‌ها دو ابزار عمده دارند این ابزارها عبارتند از: مالیات‌ها و هزینه‌های دولت در بازار کالاها.

این سیاست‌ها تحت عنوان سیاست‌های مالی بیان می‌شود و با استفاده از ابزار سیاست‌های مالی دولت‌ها در مقادیر کلان اقتصادی همانند تولید، مصرف، قیمت و مواردی از این قبیل تاثیر می‌گذارد. مالیات‌ها نقش مهمی در تامین منابع مالی دولت‌ها و حکومت‌ها برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، آموزش و بهداشت دارند که از ارکان توسعه اقتصادی محسوب می‌شوند. هم‌چنین، با تنظیم سیاست‌های مالیاتی مناسب می‌توان توزیع درآمد را بهبود بخشید و از نابرابری‌های اجتماعی کاست. در نهایت، ایجاد نظام مالیاتی کارآمد می‌تواند موجب افزایش شفافیت اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی شود. دوران حکومت صفویه نیز دوران همراه با فراز و نشیب در امور مالیاتی بوده است. تمرکز قدرت‌های سیاسی در دست شاه و درباریان، انحصار منابع به‌ویژه بسترهای رشد و توسعه اقتصادی را به سود حکومت به همراه داشت. از این‌رو مداخله عمال حکومتی در امور داد و ستد و دیگر فعالیت‌های اقتصادی بیانگر برنده بودن شاه و دیگر وابستگان دستگاه سلطنتی در مناسبات اقتصادی بود. از جمله نمونه‌های بارز احاطه دستگاه حکومتی بر سازوکارهای اقتصادی جامعه عصر صفوی، تعیین و وصول انواع مالیات و خراج از قشرهای گوناگون جامعه بود.

تعریف

مالیات واژه عربی است که در زبان فارسی به معنای باج، خراج، ارتفاع، حاصل و محصول به‌کار می‌رود. این واژه جمع مالیه به معنای آنچه متعلق به دارایی و اموال است، می‌باشد (نفیسی، ۱۳۱۸م: ج ۵، ۳۰۲۱). در اصطلاح مالیات عبارت است از: قسمتی از مال هر فرد که به دولت می‌دهد تا از بخش‌های دیگر دارایی خود اطمینان یابد و با آسودگی خاطر از آنها بهره‌مند گردد (منتسکیو، ۱۳۶۲ش: ۳۷۰). در تعریف دیگر مالیات عبارت است از سهمی که به موجب اصل تعاون ملی و بر وفق مقررات، هریک از شهروندان موظف است که از ثروت و درآمد خود، به‌منظور تأمین هزینه‌های عمومی و حفظ منافع اقتصادی یا سیاسی و اجتماعی کشور به قدر و توانایی خود به دولت بدهد (لنگرودی، ۱۳۶۸ش: ۶۰۱) تا دولت در هر موردی که مصلحت بداند، مصرف کند.

تاریخچه مالیات

مالیات‌ها سابقه‌ای طولانی و شاید به قدمت دولت‌ها دارند. از دیر زمان، دولت‌ها به روش‌های گوناگون اقدام به مالیات‌گیری می‌کرده‌اند و دولت می‌توانست به صلاح دید خود، میزان مالیات‌ها را بر اساس نیاز جامعه محدود کند یا گسترش دهد (امینی، ۱۳۸۴: ۱۰). در زمان پیامبر اسلام نیز آن حضرت پس از مهاجرت به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی، هرگونه مالیات را که حاکمان از مردم می‌گرفتند، ممنوع کرد و آن‌ها را به دادن خمس و زکات فراخواند (صالح احمد‌العلی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۳۴۹).

همانطور که گفته شد، مالیات‌ها از ابزارهای اساسی سیاست‌های مالی می‌باشند. از مهمترین مالیات‌های دوره صفوی می‌توان به این موارد اشاره کرد: مالیات بر اراضی، مالیات اغنام واحشام، مالیات گمرکی، مالیات راهداری، مالیات اصناف و پیشه‌وران، جزیه، جزیه‌هنود، مالیات آب، علفه، علفه، چریک، رسوم، اخراجات، الاغ والام اشاره نمود. در دوره صفویه با توجه به قدرت و سیاست هر پادشاه سیاست‌های مالیاتی نیز متغیر بود. با تشکیل هر حکومت، حاکمان به دنبال سرکوب مخالفان و سر و سامان دادن به آشفتگی‌هایی هستند که در نقاط مختلف کشور به وجود می‌آید، صفویان نیز از این قاعده مستثنی نبودند.

انواع مالیات‌ها در دوران حکومت صفویه

مهمترین مالیات‌های در دوره صفویه عبارت است از: مالیات بر کشاورزی، مالیات اغنام واحشام، مالیات گمرکی، مالیات راهداری و مالیات اصناف و پیشه‌وران.

الف) مالیات بر کشاورزی و زمینداری

پایه‌های اقتصادی دوره صفویه بر اساس گله‌داری و کشاورزی استوار بود. مردم ایران غالباً کشاورز و ساکن روستاها بودند و گله‌داران بیشتر ایلات محسوب می‌شدند و به بیلاق و قشلاق می‌پرداختند (سیوری، ۱۳۸۸ش: ۱۸۴) خود پادشاهان صفوی صاحب گله‌های متعدد بودند (باستانی پاریزی، ۱۳۶۲ش: ۷۷). صفویه پس از آنکه با پشتیبانی قبایل قزلباش به قدرت رسید در صدد برآمد تا سپاه کافی گرد آورد، اما توان پرداخت حقوق چنین سپاهی را نداشت و بناچار اراضی وسیعی که در اختیارش بود به سرکردگان سپاه واگذار کرد؛ به این معنی که آنان ابتدا به نام رؤسای لشکر برات نوشتند تا مواجب ایشان از محل مالیات ارضی پرداخته شود. سپس زمین‌های که بروات بر عهده آنان بود به

تیول^۱ دادند (لمبتون، ۲۱۳).

در زمان صفویه این نوع مالیات از مهمترین مالیات‌ها به شمار می‌رفت. در این زمان زمین‌ها به چهار بخش تقسیم شده بودند:

الف- اراضی ممالک یا ایالات و ولایات کشور که بیشتر شامل زمین‌هایی که در اختیار حکام و فرمانروایان هر ایالت و ولایت بود و آن‌ها نیز زمین‌ها را میان زیر دستان و رعایای خود تقسیم می‌کردند (نوایی، ۱۳۸۶: ۲۸۸)

ب- اراضی خاصه یا خالصه^۲ که متعلق به شخص شاه بود و عواید آن مستقیماً به خزانه شاهی می‌رفت.

پ- املاک عامه مردم: اراضی که نسبت به اراضی دیگر ناچیز و متعلق به مردم بود (نوایی، ۱۳۸۶: ۲۸۸)

ت- موقوفات: موقوفات را شاه یا مردم وقف می‌کردند. شاردن در این خصوص می‌نویسد: زمین‌های موقوفه را شاه یا افراد دیگر وقف کرده‌اند، و در ایران جنبه تقدس دارد. و واقف اعم از این‌که شخص شاه یا دیگران باشند هیچ‌گونه حقی بر آن ندارند. هم‌چنین اگر واقف مرتکب جنایتی شده باشد هیچ قدرتی نمی‌تواند زمین وقف را مصادره کند. اراضی متعلق به دیگران فقط مدّت نودونه سال در تملّک ایشان است و نه بیشتر. در طیّ این مدت می‌توانند آن را به دیگران بفروشند و به دلخواه خود از آن بهره‌برداری کنند. و هیچ کس حقّ مداخله و تصرف آن را ندارد، به این شرط که تقصیری بزرگ که مستلزم سلب مالکیت شود مرتکب نشوند. پس از این مدت عایدات يك سال ملك مورد تصرف خود را به دولت می‌پردازند و دیگر بار معامله را به همین ترتیب تجدید می‌کنند. چنین مالکیتی را تصرف می‌گویند که در حقیقت مالکیت دائمی است، و باید سالیانه مبلغی جزئی به نام اجاره‌بها بدهند، و این مبلغ از چهل تا پنجاه شاهی به ازای هر جریب تجاوز نمی‌کند (شاردن، ۱۳۷۲: ج ۳، ۱۲۳۳).

^۱. نیول به معنی واگذاری یا تخصیص چیزی به کسی است و سابقاً اقطاع نامیده می‌شد. تیول برای مدت محدودی تفویض می‌شد و دو قسم بود: یا ضمیمه امتیاز شغل معینی به حساب می‌آمد که در این صورت با عزل یا انتقال متصدی آن، تیول به دیگری تفویض می‌گشت و یا شاه آن را از طرف دیوان، مادام‌العمر به یک نفر واگذار می‌کرد (سمیعا، ۱۳۶۸: ۴۵).

^۲. در اوایل دوره صفویه، اصطلاح خاص و خالصه از یکدیگر قابل تشخیص نبودند، اما در زمان شاه عباس اول، خالصه به املاک سلطنتی اطلاق شد و حال آنکه خاصه در خصوص اراضی ایالات و ولایتی به کار می‌رفت که تحت اداره مستقیم حکومت مرکزی بود و با ایالاتی (مملکت) که تحت نظارت مستقیم حکومت مرکزی نبودند فرق داشتند. از زمان شاه عباس اول به بعد، بین اراضی خالصه و خاصه شکافی ایجاد شد. بیشتر اراضی خالصه در ایالت‌های پارت، پارس، برخی از نواحی کرمان، هیرکانی، قسمتی از ایالت ماد، و اصطهبانات که مشتمل بر بیش از نیمه کلد قديم می‌باشد، پراکنده است (لمبتون، ۱۳۶۳: ص ۱۳۴).

هم چنین بعضی از نواحی به صورت تیول و اقطاع به امرا و روسای قبایل واگذار می شد و در برابر آن مالیات مقطوعی در یافت می گردید. تیول برای مدت محدودی تفویض می شد و دو نوع بود: یا ضمیمه امتیاز شغل معینی به حساب می آمد که در این صورت با عزل یا انتقال متصدی آن، تیول به دیگری تفویض می گشت و یا شاه آن را از طرف دیوان، مادام العمر به یک نفر واگذار می کرد. اصطلاح تیول همچنین دلالت بر زمینهایی داشت که به جای حقوق به ماموران حکومت داده می شد. به همه مقامات عالی بابت حقوق و مواجب خود تیول تعلق می گرفت. چنانچه محصول تیولی که به جای حقوق و مواجب به یکی از مقامات داده بودند از مبلغ منظور کمتر می شد مباشر ولایت کسر مبلغ را جبران می کرد و اگر بیشتر از مبلغ منظور بود، مازاد آن را به خزانه می فرستاد. زمین هایی که بدین گونه در ازاء حقوق به تیول داده می شد از بازرسی ماموران شاه معاف بود. این تیول ها در واقع ملک صاحبان تیول بود و تیولداران با سکنه تیول به دلخواه خود رفتار می کردند. (نویسی، ۱۳۸۶: ۲۸۸-۲۸۷)

نوعی دیگر از مالکیت زمین در زمان صفوی سیورغال بود و از پرداخت مالیات معاف بود. و به این صورت بود که املاک خاصه شاهی را در بعضی نقاط به اشخاص و خانواده هایی می بخشیدند و این ملک در خانواده مالک تا سال ها و حتی نسل ها باقی می ماند. تفاوت تیول با سیورغال در این بود که تیول ملک دولتی بود نه سلطنتی و تیول همراه با مقام و منصبی به کسی داده می شد و با سلب منصب از او پس گرفته می شد و معمولاً مربوط به مقامات سیاسی و دولتی بود (باستانی پاریزی، ۱۳۵۷: ۷۰). شاه عباس اول برای بهره مندی از عواید املاک شخصی خود و خنثی کردن این انتقاد که تملک آن املاک غصبی است، تصمیم گرفت آن املاک را به اوقاف تبدیل کند. این امر بیانگر آن است که ظاهراً مردم عادی نسبت به زمین های خود از حقوق کامل مالکیت برخوردار بوده اند. اگر مالکیت همه زمین ها، خاص شاه بود دیگر مسئله غصب و حرام به میان نمی آمد. موید این مطلب آن است که هرکس می توانست ملک خود را وقف کند و این کار میسر نمی شد مگر آنکه مالکان نسبت به املاک خود حق کامل مالکیت داشتند (لمبتون، ۱۳۶۴: ۳۱۳).

بدیهی است مالیات هایی که به این صورت وصول و به خزانه فرستاده می شد نقش چندانی در افزایش درآمد خزانه نداشت، زیرا میان آن چیزی که وصول می شد و آن چیزی که به خزانه فرستاده می شد تفاوت فاحشی وجود داشت و همه آنچه را که وصول می شد به خزانه نمی فرستادند. البته می توان گفت، میزان قدرت حکومت مرکزی در این امر تاثیر بسزایی داشت. هرچه حکومت مرکزی قدرت بیشتری داشت میزان وصولی مالیاتی که به خزانه واریز می شد بیشتر بود تا زمانی که قدرت

حکومت مرکزی اندک بود و زمینه برای دریافت رشوه ماموران مالیاتی فراهم می‌شد و در نتیجه از میزان عایدی خزانه کم می‌شد.

مالیات زمین‌ها

در دوره قبل از شاه عباس اول بیشتر اراضی برای پرداخت حقوق به مقامات کشوری و روحانی تخصیص یافته بود. از زمان شاه عباس به بعد اراضی بیشتری تحت نظارت مستقیم شاه درآمد و مستقیماً از سوی ناظران شاه اداره می‌شد. اما این تغییر بر اساس اجاره زمین با موافقت بین مالک و دهقان برای شرکت در محصول زمین برپایه عوامل پنجگانه (زمین، آب، چهارپا، بذر و نیروی انسانی) تأثیری نهد و دهقان در صورتی که تنها نیروی بدنی خود را عرضه می‌کرد می‌توانست بیست درصد از محصول را دریافت کند (سیوری، ۱۳۸۸ ش: ۱۶۸).

درباره میزان مالیات ارضی که ناظران شاه از مردم می‌گرفتند و مأخذی که مالیات را بر مبنای آن محاسبه می‌کردند اطلاع دقیقی نیست، به طور معمول تیول‌ها از پرداخت مالیات به خزانه مملکت معاف بود. مالیات ارضی نیز در بعضی موارد عبارت بود از $\frac{4}{1}$ محصول. گاهی مردم به علت فقر ناشی از بلاهای آسمانی یا علل دیگر از مالیات معاف می‌شدند. در اصفهان مالیات آب نیز پرداخت می‌شد و کسانی که به مدت یک سال یا طولانی‌تر صاحب تیول یا سیورغال بودند می‌بایست عوارض مخصوصی بپردازند (لمبتون، ۱۳۶۴ ش: ۲۳۹).

کشاورزان یا زمین را اجاره می‌کردند یا به نوعی با مالک شریک می‌شدند. شرکت مالک با زارع در تقسیم محصول مزارعه نامیده می‌شد. در این روش، اساس شراکت بر پنج عامل تولید محصول (عوامل پنجگانه) بنا شده بود و تقسیم محصول بین آنان بر حسب سهمی بود که هریک برای تأمین عوامل مزبور می‌پرداختند. این نوع تقسیم محصول، مخصوص زمین‌های آبی بود ولی در مورد زمین‌های دیم، محصول به چهار عامل تقسیم می‌شد. این تقسیمات ظاهراً اسمی بوده و ارباب معمولاً $\frac{3}{1}$ محصول زمین و حیوانات را دریافت می‌داشت و سهم او از میوه درختان نصف تا $\frac{3}{2}$ بود. گوسفندداران نیز سالیانه مبالغی می‌پرداختند که به مالیات «چوپان بیگی» معروف بود و چوپان‌باشی مخصوص که از طرف شاه مأمور می‌شد $\frac{7}{1}$ از تعداد کل گوسفندان و بره‌ها $\frac{3}{1}$ از قیمت گوسفندان آبستن را جمع‌آوری می‌کرد (سمیعا، ۱۳۶۸ ش: ۲۲۲).

در مورد زمین‌های پیرامون اصفهان به جای روش مزارعه، مالیات نقدی برقرار بود و زارعان بهره مالکانه را به نقد پرداخت می‌کردند، زیرا بیشتر این زمین‌ها به کشت تره‌بار اختصاص داشت (لمبتون، ۱۳۶۴ ش: ۲۴۷). سهمی که دهقان می‌بایست بپردازد بستگی به عرف محل مورد نظر، نوع میوه‌های

درختی و صیفی و همچنین اوضاع و احوال محلی داشت. در برخی نواحی ۳/۱ محصول گندم و جو به دهقان می‌رسید و ۳/۲ دیگر سهم شاه می‌شد. در صورتی که دهقان بدون هیچ کمکی برنج، ارزن، پنبه، عدس، یونجه، هندوانه، خربزه و لیموترش می‌کاشت ۵/۲ محصول به او و ۵/۳ دیگر آن به شاه داده می‌شد. البته نباید تصور کرد که سهم زارع کمتر بود، زیرا برنج و سایر محصولات که کشت آن‌ها با زحمت زیاد توأم بود، گرانتر هم به فروش می‌رسید. بهره مالکانه بر حسب شرایط زمین و تقویمی که قبلاً از آن شده بود به صورت نقدی یا جنسی مشخص می‌شد (نوابی، ۱۳۸۶: ۲۹۱).

در واقع می‌توان نتیجه گرفت که در ساختار اقتصادی دوره صفویه، نقش اصلی در کشاورزی به‌عهده زمیندار و کشاورز بود و دیگر فعالیت‌های اقتصادی در مرتبه بعد قرار داشت. شاردن معتقد است، هرچند مالکان در شیوه مزارعه برای گرفتن بهره بیشتر از زارعان، نیرنگ‌های فراوانی به‌کار می‌بردند، خود او در مقایسه اوضاع و احوال دهقانان ایرانی با وضع دهقانان حاصل‌خیزترین نواحی اروپا به این نتیجه می‌رسد که دهقان ایرانی نسبت به دهقانان اروپایی وضع بهتری داشته‌اند. دهقانان ایرانی در همه جا زیورهای نقره و گاهی طلا برخود می‌پستند از لباس و کفش‌های خوب استفاده می‌کردند و وسایل و ظروف منازل‌شان مناسب بود (لمبتون، ۱۳۶۴: ۲۴۸).

ب) مالیات اغنام واحشام

سلاطین صفوی علاوه بر گله‌های متعدد گوسفند که خود داشتند سالیانه مبالغی به‌عنوان مالیات از گوسفند داران می‌گرفتند و این مالیات چوپان بیگی خوانده می‌شد (باستانی‌پاریزی، ۱۳۵۷: ۷۷). اولناریوس از درآمد دآمداری برای شاه می‌گوید: اردبیل دارای چراگاه‌های خوبی است و به‌همین دلیل در اطراف اردبیل و چراگاه‌های آن شصت دهکده وجود دارد. فقط چراگاه‌های مزبور به‌تنهایی درآمد بزرگی برای شاه در سال فراهم می‌کند. زیرا گله‌دارهای ثروتمند عرب و ترک که تعدادی از آن‌ها به سبب پذیرفتن اسلام و دسته دیگر به‌دلیل اینکه خود را زیر حمایت شاه ایران قراردادند، در این منطقه مجاز به استفاده از چراگاه هستند و می‌توانند به خرید و فروش احشام اشتغال داشته باشند و مالیات بپردازند (اولناریوس، ۱۳۶۳: ۱۲۱). همچنین در این دوره انواع و اقسام طیور مانند کبوتر، مرغ و جوجه در ایران نیز پرورش داده می‌شد و برخی پرندگان مستلزم پرداخت مالیات به شاه بود (شاردن، ۱۳۷۲: ج ۴، ۱۲۳).

ج) مالیات گمرکی

اگرچه شالوده اقتصاد ایران را کشاورزی و دآمداری تشکیل می‌داد، اما در دوره صفوی تجارت و بازرگانی به خصوص در زمان شاه عباس اول به شکوفایی و رونق رسید. بدیهی است رونق تجارت

نقش بسزایی در افزایش درآمدهای مالیاتی و در نتیجه قدرت مالی صفویان داشت.

تجارت با کشورهای خارجی به ویژه اروپاییان از دیگر راه‌های افزایش درآمد پادشاه بود، در دوره صفویه روابط تجاری ایران با کشورهای انگلیس، هلند و بعد فرانسه گسترش یافت. آن‌ها ابتدا نه به عنوان استعمارگر و با نیروی نظامی بلکه به عنوان تاجر وارد ایران شدند. کمپانی هند شرقی انگلیس بعد از سال ۹۹۴ ق به مدار اقتصادی ایران کشیده شد. این کار به دو دلیل صورت گرفت: خرید ابریشم به طور مستقیم از ایران و صدور بسیاری از کالاهای اروپایی و آسیایی به ایران به جای پول نقد ابریشم. کمپانی هند شرقی هلند با به کار گرفتن آمیزه‌ای از الگوی نظامی پرتغال و الگوی بازرگانی انگلستان، مدل قدرتمندی به وجود آورد (فوران، ۱۳۸۸ ش: ۶۸).

مهم‌ترین کالای تجاری ایران را ابریشم تشکیل می‌داد که به مقدار زیاد به عثمانی صادر می‌شد و در آنجا بخشی از آن در صنایع ابریشمی ترکیه مصرف می‌گشت و بخشی دیگر را تجار ونیزی (ایتالیا) خریداری می‌کردند تا وارد بازارهای اروپا سازند. (کمبریچ، ۱۳۸۷ ش: ۲۳۰) معمولاً در برابر ابریشم، کالاهای اروپایی خصوصاً ماهوت دریافت می‌شد. قسمت عمده محصولات هندوستان و جزایر جاوه و سوماترا، مانند فلفل، زعفران و انواع ادویه به ایران وارد می‌شد و بیشتر این دادوستدها به وسیله هلندی‌ها انجام می‌گرفت. آنان به منظور حفظ انحصار بازرگانی ایران در دست خود کالاهای اروپایی را از قیمت اصلی در ایران ارزانتر می‌فروختند و حتی برای جلوگیری از خرید ابریشم ایران از سوی رقیبان، در عصر شاه صفی قیمت هر بار ابریشم را از ۴۲ تومان به ۵۰ تومان افزایش دادند. اما پس از آنکه به هدف خود رسیدند، قیمت آن را به ۴۴ تومان کاهش دادند (باستانی‌پاریزی، ۱۳۶۲ ش: ۱۹۵).

آنچه در تجارت برای دولت صفویه اهمیت داشت نقدینگی کالا بود و ابریشم کالایی بود که مهمترین منبع نقدینگی برای دولت صفویه محسوب می‌شد. از طرفی مهاجرت اجباری سه هزار خانواده ارمنی از جلفا به اصفهان ارزش صادرات ابریشم را افزایش داد و این امر برای دولت بسیار مغتنم بود. تولید سالیانه ابریشم را یک میلیون و ۶۷۲ هزار پوند گزارش داده‌اند. ۳/۱ این تولید به عنوان عوارض شاهی روانه دربار می‌شد و بقیه را بازرگانان ارمنی توزیع می‌کردند (بنایی، ۱۳۷۷ ش: ۵۱).

چنانکه گذشت هلندی‌ها به دلیل رقابت تجاری مشتری عمده ابریشم ایران بودند ولی ابریشمی که به آنان داده می‌شد در بازار محل به نصف قیمت معهود هم نمی‌ارزید. اما هلندی‌ها معامله به مثل می‌کردند؛ یعنی بیش از دو میلیون کالا وارد و قیمت آن را یک میلیون قلمداد می‌کردند (شاردن، ۱۳۷۲ ش: ج ۳، ۲۰۷).

از دیگر کالاهایی صادراتی می‌توان به بعضی سنگ‌های قیمتی، پشم شتر، توتون، خشکبار و فرش

گوسفند زنده، پسته ملایر و قزوین، روناس، بادام یزد و کرمان، کشمش، ترشی میوه، آلو و مربا، گلاب و عطریات و خشکبار اشاره نمود (نوایی، ۱۳۶۸ ش: ۲۹۴).

بنابراین در دوره صفویه یکی از درآمدهای دولتی، مالیات گمرکی بود که از کاروان‌های تجاری می‌گرفتند.

د) مالیات راهداری

در دوره صفوی نوع دیگر مالیاتی که دریافت می‌شد مالیات راهداری بود. در دوره صفوی به دلیل ساخت جاده‌ها و کاروان‌سراها و ایجاد امنیت موجب رونق تجارت داخلی گردید. مالیات راهداری از کاروان‌ها گرفته می‌شد. جمع‌آوری این نوع مالیات بر عهده راهدارهایی بود که در نقاطی نظیر محل‌های عبور از رودخانه مستقر می‌شدند. در مقابل مالیات راهداری، راهدارها مسئول حفظ ایمنی مسافران و اموال‌شان بودند و در برابر حکام محلی پاسخگو بودند. (سیوری، ۱۳۶۶: ۱۷۲-۱۷۱)

ه) مالیات اصناف و پیشه‌وران

اصناف در دوره صفویه از اهمیت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی برخوردار بودند. از نظر اجتماعی و دینی اصناف رابطه نزدیکی با اهل علم و با دولت‌مردان داشتند و از نظر سیاسی نیز گاهی با ظلم و ستم به مقابله بر می‌خواستند. اصناف عبارت بودند از: اهل حرف، صنعت‌گران، طبّاخان، آشپزان، فروشندگان اغذیه و لبنیات. (نوایی، ۱۳۸۶: ۲۹۷) اصناف موظف به پرداخت مالیاتی بنام بنیچه بودند. و تقسیم کل مبلغ بنیچه بین اعضای صنف، از وظایف کلانتر بود. (سیوری، ۱۳۶۶: ۱۷۰)

البته در دوره صفوی مالیات‌های دیگری نیز وجود داشت که به شرح زیر می‌باشند:

- **رسوم:** به دو بخش رسوم عادی و فوق‌العاده تقسیم می‌شد. رسوم عادی عبارت بود از نوعی باج یا مقداری محصول عالی که بیگلربیگی هر ایالت در مواقع و فصول مناسب با توجه به مقتضیات هر استان به عنوان تحفه و هدیه به دربار می‌فرستاد و رسوم فوق‌العاده شامل هدایای نوروزی بود که نه جنس و مقدار آن مشخص بود و نه حکام موظف به تأمین آن بودند. رسمی بود که بنا به عادت رواج یافته بود. نام این هدیه‌ها در دفاتر محاسبات ثبت نمی‌شد، و فقط پیش‌کش نویس اسم فرستنده آن‌ها را در دفتر خود می‌نوشت. از پیش‌کش‌های تقدیمی به شاه ۱۱ تا ۱۸ درصد به عنوان رسوم اخذ می‌شد که از این مقدار دو درصد به ناظر و بقیه به دیگر صاحب منصبان می‌رسید. (شاردن، ۱۳۷۲: ج ۳، ۱۲۴۷)

- **مالیات آب:** در اصفهان مالیات آب نیز می‌گرفتند (لمبتون، ۱۳۳۹: ۲۴۱)

- **مالیات ریش:** مالیات خاصی که در زمان شاه اسماعیل گرفته می‌شد، مالیات ریش بود. شاه

اسماعیل از سنیان مالیات طول ریش می‌گرفت. از زمان شاه صفی به بعد این نوع مالیات حذف شد. (پارسادوست، ۱۳۷۵: ۶۲۰-۶۲۱)

- مالیات اماکن فسق و فجور: در طول دوره صفوی مبالغ هنگفتی به عنوان مالیات از اماکن فسق و فجور و عیش و عشرت وصول می‌گردید، شاه عباس که می‌ترسید پولی را که از راه روابط نامشروع در اماکن فساد فراهم می‌شود داخل خزانه‌اش را نجس گرداند راه حلی به نظرش رسیده بود، دستور داده بود که این پول‌ها را به مصارفی برسانند که از آتش بگذرد تا پاک شود. بهمین مناسبت مخارج روشن کردن مشعل‌ها و چراغانی‌ها و آتش بازی‌هایی که در حضور شاه انجام می‌گردید از این پول برداشته و مصرف می‌کرده‌اند (کارری، ۱۳۴۸: ۱۳۲).

- جزیه: از دیگر منابع درآمد، جزیه بود که نوعی مالیات به شمار می‌رفت و از غیر مسلمانان دریافت می‌شد. صفویان هم چون حکومت‌های پیشین مبلغی را از غیر مسلمانان به عنوان جزیه می‌گرفتند. البته با توجه به سیاست پادشاهان گاهی غیر مسلمانان از پرداخت جزیه معاف می‌شدند. شاه ایران به هیئت‌های مبلغین دین مسیح اجازه می‌دهد که در سراسر کشور وظایف خود را در کمال آزادی انجام دهند و همچنین موافقت می‌کند در هر نقطه‌ای که بخواهند موسسات خود را دایر کنند. آخرین هیئت مبلغین اعزامی که از طرف شاه بسیار متدین فرانسه سفارش نامه‌ای با خود داشتند از پرداخت هرگونه جزیه و خراج و مالیات برای اراضی و محلی که تاسیسات خود را در آنجا دایر کرده‌اند معاف شده‌اند (سانسون، ۱۳۴۶: ۲۴) هم چنین گاهی هم به آنان برای پرداخت جزیه با فشار حکومت مواجه می‌شدند. به گفته سانسون: مسیحیان لنجان طبق معمول هر سال مبلغی به عنوان جزیه می‌پرداختند و چون چندسال نتوانسته بودند مبلغ نامبرده را بدهند وزیربزرگ برای وصول بدهی آن‌ها مقرری سربازان چریک را به آن‌ها حواله کرده بود آن بیچارگان بخت برگشته چون در شرایطی نبودند که بتوانند سربازان چریک را راضی کنند و هیچ راهی فرار از چوب و چماق سربازان بی‌رحم وجود نداشته است ناگزیر همه آنان به اتفاق به اعتمادالدوله مراجعه کرده و استدعا کرده بودند که آن‌ها را به دین اسلام بپذیرد. (همان: ۳۲)

- معادن: مالیات بر محصولات می‌شد و شامل این موارد بود: معادن فیروزه نیشابور، طلا و نقره، مس کرمان، سرب آمیخته با نقره در یزد و کرمان، آهن در خراسان، جوهر شوره و گوگرد و جیوه و آنتیموان در نطنز و دیگر نقاط، نمک از معادن مختلف یا از طریق تبخیر در همه ولایات و نفت در باکو و شوشتر. (نویی، ۱۳۸۶: ۳۳۵)

- مالیات التزامات: منافع احضار که ظاهراً از شاکی در امور جنایی می‌گرفتند (مینورسکی،

(۱۳۶۸: ۲۱۶)

- **اخراجات یا مالیات زائد:** به معنی مالیاتی که برای مصارف دیوانی وصول می‌شود (مستوفی،

(۱۳۷۵: ۲۱۷)

- **باج:** مالیاتی که برطبق قرارداد منعقد شده میان دو دولت پرداخت می‌شد (گنابادی، ۱۳۸۷: ۳۶۵)

- **جزیه هنود:** از هندیان مقیم ایران گرفته می‌شد (نوایی، ۱۳۸۶: ۳۳۵)

- **علفه:** مالیاتی که بابت خوراک عمال حکومت می‌گرفتند. فومنی می‌گوید: شیرزاد سلطان و محمد امین خان، هم‌عنان فتح و ظفر، به اتفاق لشکر و عسکر، به درون شفت نزول نمودند. و بعد از ورود ایشان در آن مکان، تمامی مردم شفت از سپاه و لنام و رعیت، با نزول و علف و علوفه و سلامی، به خدمت محمد امین خان و شیرزاد سلطان مبادرت نمودند و اردوی ایشان سه روز در آن مقام توقف نموده، چهارپایان آسودند (فومنی گیلانی، ۱۳۴۹: ج ۱، ۹۹)

- **علوفه:** حق علیق برای مرکب ماوران حکومت بود.

- **الاغ:** مالیات مخصوص چهارپایان چاپارخانه‌ها بود.

- **آلام:** راهنمایی که مجبور بودند بدون گرفتن مزد به ماموران حکومت خدمت کنند و آن را از دهی به دیگر رهنون شوند (احمدپناهی، بی تا: ۲۵۶) از دیگر مالیات‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: تنباکو، مالیات چریک (مالیات نظامی به صورت کار یا نقدی بود)، حق السعی یا انعام محصلان مالیاتی، مال الجهات یا مالیات مستمر (همان: ۲۵۶) مالیات مربوط به صید مروارید، طلا، مس، کاروان‌سراها، گرمابه‌ها، خانه‌ها و میدان‌های اجاره‌ای متعلق به شاه. (کمپفر، ۱۳۵۰: ۱۱۴-۱۱۸)

هم‌چنین یکی دیگر از منابع مالیاتی این بود که پادشاه انعامی به بزرگان می‌داد تا آنان ناچار شوند چندین برابر بهای آنچه شاه به آن‌ها اعطا کرده به وی بازگردانند. مثلاً شاه وقتی متوجه می‌شد، یکی از حاکمان بزرگ یا یکی از ناظران وظایف خود را به خوبی انجام داده به نشان تشویق هدیه‌ای برای او می‌فرستاد، و این هدیه ممکن بود، یک دست لباس، یک باز یا یک اسب باشد. شخصی که هدیه را به گیرنده تحویل می‌داد، از گیرنده آن انعام ارزنده‌ای دریافت می‌کرد و مستمری ثابتی نیز می‌گرفت. و اصولاً به این شکل بود که شاه مبلغی را که گیرنده هدیه باید به آورنده می‌داد را معلوم می‌کرد، و آن متناسب با شغل و مقام و امتیازات خانوادگی و نفوذ وی در دربار بود (شاردن، ۱۳۷۲: ج ۳، ۱۲۵۴-۱۲۵۳)

هم‌چنین شاه بابت وامی که پرداخت می‌کرد، مالیات مختصری دریافت می‌کرد. هرکس به هر عنوان پولی از خزانه دریافت می‌کرد، باید ده درصد آن را به عنوان مالیات پس می‌داد، مگر این که شاه شخصا

کسی را از ادای این مالیات معاف می‌کرد، و البته چنین امری هرگز روی نمی‌داد. اما گاهی ممکن بود شاه اجازه دهد به جای ده درصد پنج درصد بگیرند (همان: ج ۳، ۱۲۵۴)

در مقابل مواردی که صفویان از آنان مالیات اخذ می‌کردند، برخی از اقلام از پرداخت مالیات معاف بودند. از قبیل: مواد غذایی، لوازم خانگی، نمک و شراب. از دیگر معافیت‌ها این بود که: تیول‌ها در برخی موارد از پرداخت مالیات ارضی به خزانه کشور معاف بودند و هرچه تیول دار مالیات می‌گرفت بخود تعلق داشت. (لمبتون، ۱۳۳۹: ۲۳۹) هم چنین مردم هنگام ورود به کشور و در مورد وارد کردن هرگونه مواد غذایی به داخل کشور هیچ‌گونه مالیاتی نمی‌دادند (شاردن، ۱۳۷۲: ج ۳، ۱۲۵۴-۱۲۵۳)

نتیجه‌گیری

مالیات برای توسعه هر کشور امر لازم و ضروری است حاکمان برای اینکه کشور را از لحاظ اقتصادی در جایگاه کشورهای دیگر قرار داده و تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌های جامعه را از بین ببرند، ناچار است که اخذ مالیات و توزیع آن را در سیاستگذاری‌های اقتصادی خود در نظر بگیرند.

حکومت صفویه نیز به خاطر امتیازهای که در دریافت مالیات وجود داشت، اقدام به اخذ مالیات از گروه‌های مختلف جامعه نمودند. تمرکز قدرت سیاسی در دست شاه و درباریان، انحصار منابع به‌ویژه بسترهای رشد و توسعه اقتصادی را به سود حکومت به همراه داشت. از این‌رو مداخله عمال حکومتی در امور داد و ستد و دیگر فعالیت‌های اقتصادی مردم در دستور کار سیاستگذاری‌ها قرار گرفت.

از جمله نمونه‌های بارز دخالت دستگاه حکومتی بر سازوکارهای اقتصادی جامعه عصر صفوی، تعیین و وصول انواع مالیات و خراج از قشرهای گوناگون جامعه بود. طبق تعریف، مالیات بر بخشی از دارایی افراد جامعه گفته می‌شد که براساس قانون به وسیله کارکنان دستگاه حکومتی از اقشار مختلف جامعه اخذ می‌شد. چنین درآمدهایی به دو شکل جنسی و نقدی و تحت عناوینی چون کشاورزی، صنایع، خدمات، حق راهداری و گمرک گرفته می‌شد. در عصر صفوی هم چون ادوار پیش از آن شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و جغرافیایی نقش مهمی در تعیین میزان مالیات‌ها داشت. هر ایالت براساس ویژگی‌های اقلیمی و جغرافیایی خود علاوه بر اینکه مشمول پرداخت مالیات‌های معمول بود، باید برای برخورداری از برخی مواهب طبیعی مانند رودخانه یا داشتن منابع و معادن و خاک حاصلخیز نوع دیگری از مالیات را نیز بپردازد.

در میان مالیات‌دهندگان چهارگروه کشاورزان، اصناف و پیشه‌وران، تجار و بازرگانان و کوچ‌نشینان

بیشترین سهم را در پرداخت مالیات داشتند. در این بین کشاورزان با کار کردن در زمین‌های خالصه، دولتی یا ممالک و وقفی بیشترین تعداد را به خود اختصاص می‌دادند. از اصناف و پیشه‌وران علاوه بر مالیات معمولی، مالیات دیگری به نام «حوادث» گرفته می‌شد که بیشتر برای تامین مخارج سفر سفیران و نمایندگان حکومتی مصرف می‌شد. در مواردی نیز پیشه‌وران و اصناف در ازای کار مجانی برای حکومت از پرداخت مالیات معاف می‌شدند. مالیات مربوط به راهداری و عوارض گمرکی نیز از جمله مهم‌ترین منابع درآمدی حکومت بود که بیشتر از طبقه تجار و بازرگانان اخذ می‌شد. قبایل و عشایر نیز در قبال استفاده از مراتع و چراگاه‌ها ملزم به پرداخت مالیات بودند که مهم‌ترین شکل اخذ مالیات از آنان مالیات احشام و نیروی جنگی بود.

فهرست منابع

۱. احمدپناهی سمنانی، محمد(بی‌تا)، شاه اسماعیل صفوی، تهران، کتاب نمونه.
۲. امینی، اعظم(۱۳۸۴ش)، مالیات در اسلام، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، چاپ اول.
۳. اولناریوس، آدام(۱۳۶۳)، سفرنامه اولناریوس، ترجمه احمد بهپور، بی‌جا: ابتکار، چاپ اول.
۴. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم(۱۳۵۷)، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، بی‌جا: صفی‌علیشاه، چاپ دوم.
۵. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم(۱۳۶۲ش)، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران: انتشارات صفی‌علیشاه، چاپ سوم.
۶. بنایی، امین(۱۳۷۷ش)، تأملاتی درباره ساختار اجتماعی و اقتصادی ایران در اوج دوره صفویه، مترجم: محمدعلی رنجبر، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی شماره ۱۳۵، ۱۳۶.
۷. پارسادوست، منوچهر(۱۳۷۵)، شاه اسماعیل اول، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
۸. سانسون(۱۳۴۶)، سفرنامه سانسون، ترجمه تقی تفضلی، تهران: بی‌نام.
۹. سمیعا، میرزا(۱۳۶۸ش)، تذکره القلوب، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.
۱۰. سیوری، راجر(۱۳۶۶)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، سحر.
۱۱. سیوری، راجر(۱۳۸۸ش)، ایران عصر صفوی، مترجم کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، چاپ هجدهم.
۱۲. شاردن، ژان(۱۳۷۲ش)، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس، چاپ اول.
۱۳. صالح احمدالعلی(۱۳۸۱ش)، دولت رسول خدا، مترجم: هادی انصاری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه فرهنگ
۱۴. فوران، جان (۱۳۸۸)، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ نهم.
۱۵. فومنی گیلانی، ملا عبد الفتاح، تاریخ گیلان، مصحح منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۶. قاسمی حسینی گنابادی، محمد قاسم(۱۳۸۷)، شاه اسماعیل نامه، مصحح، جعفر شجاع کیهانی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ اول.
۱۷. کارری، جملی(۱۳۴۸)، سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، بی‌جا: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، چاپ اول.

۱۸. کمپفر، انگلبرت (۱۳۵۰)، در دربار شاهنشاه ایران، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: انجمن آثار ملی.
۱۹. لمبتون، ا.ک.س (۱۳۶۴ش)، مالک و زارع در ایران، مترجم: منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
۲۰. لمبتون، آن.ک.س (۱۳۳۹)، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۱. لمبتون، آن.ک.س (۱۳۶۳ش)، سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، مترجم: یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.
۲۲. مستوفی، محمد محسن (۱۳۷۵)، زبده التواریخ، مصحح، بهروزگودرزی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، چاپ اول.
۲۳. متسکیو (۱۳۶۲ش)، روح القوانين، مترجم: علی اکبر مهتدی، تهران: امیرکبیر.
۲۴. مینورسکی (۱۳۶۸)، سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.
۲۵. نفیسی، علی اکبر (۱۳۱۸م)، فرهنگ نفیس، تهران، چاپ رنگین.
۲۶. نوایی، عبدالحسین و غفاری فرد، عباسقلی (۱۳۸۶ش)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران: سمت، چاپ چهارم.